

* (بازگشت ادبی) *

خطابه آقای ملک الشعراء بهار در انجمن ادبی

(۲)

سبک شعر در قرن اخیر یا بازگشت ادبی

در جلسه گذشته مختصری در فرق میانه سبک شعری عصر سامانیان و غزنویان و اوایل عهد سلاجقه (قرون ۳-۵ هجری) با سبک شعری ادوار بعد یعنی از سلاجقه تا فتنه مغول (قرون ۶-۷) بیان شد و گفته شد که این اختلاف مربوط به علل زمانیه بوده و ربطی بخراسان و عراق ندارد، و علل حقیقی این اختلاف را بطور فهرست ذکر کردیم و نمونه آنرا هم میتوان در بیانات علیحده وصف نمود. و بالجمله زمینه بیانات امشب ما تاریخ تجدید شدن سبک شعری قدیم و کراساتیدی که باینکار مقدم و مقدم بوده و شرح موجبات این بازگشت ادبی میباشد.

برای آنکه مطالب ما در هم و بر هم نشود و بتوان درست بکنه حقایق پی برد باید اول مطالبی که مقصود ما بیان آنهاست از هم تجزیه شده و بطور فهرست ذکر شود سپس شرح آنها پردازیم. مطالب منویه بقرار ذیل است:

- ۱- حالت و رونق بازار شعر و شاعر در این یک قرن و علل آن
- ۲- مروجین علم و ادب و ادبای نامی این قرن.
- ۳- سبک شعری این قرن. ۴- مقایسه شعر این قرن با قرون قدیمه و تفاوت بین آنها.
- ۵- شعرای عهد مشروطه و سبکهای شعری.
- ۶- آینده شعر در ایران. و ضمناً متذکر میشوم - که تنها موضوع ما شعر

است و از باقی قسمت‌های ادبی مثل نثر و غیره صحبتی نخواهیم کرد .

۱ - حالت و رونق بازار شعر و شاعر در يك قرن اخير و علل آن .
 باید دانست که این قرن در حقیقت از صدسال که معمول به مورخان میباشد قدری طولانی‌تر است و ناچار برای نشان دادن مقدمات امر و هم بسبب پیوسته بودن رشته ارتباط زمانی و مکانی و سیاسی و اجتماعی عالم ادبی درین مدت ، ناگزیر این رویه را پیش گرفتیم . و آغاز این قرن را از مرگ نادرشاه و انقلاب سال ۱۱۶۰ گرفته و بمرگ ناصرالدین شاه ۱۳۱۳ میرسانیم - یا بعبارت مؤدب‌تر از جلوس کریم‌خان زند شروع کرده بجلوس مظفرالدین شاه قاجار ختم میکنم که مجموع آن ۱۵۳ سال خواهد شد و بقیه قسمت را از ۱۳۱۳ بعد در شمار عصر مشروطه قرار میدهیم ، زیرا مقدمات مشروطه و بحران ادبی آخر قرن از آن تاریخ شروع شده است .

نادرشاه در ایران فتوحات نمایان کرد . خاصه از فتح هند ثروت زیادی بایران آورد و آن ثروت بعد از مرگش در ایران پراکنده شد . و سرداران و بلکه سربازان او هر يك دولتی تشکیل دادند و کریم‌خان زند که بایکدسته از الوار بامر نادر در حدود ایبورد برای ساخلو نشسته بود گریخته فارس آمد و بعد از جنگ‌های زیاد پادشاه شد و شیراز را مرکز خوشگذرانی و تباهی افراد بشر قرار داد و در جنوب ایران پاریس بوجود آمد که خوشگذرانیها و عیاشیهایش با آب و هوای لطیفش متناسب بودند . ایرانی آن زمان تمدن تازه را با افتخارات دوست‌ساله فتوحات صفویه و نادر ترکیب کرده و فکر میکرد که کتاب خانجانی که صفویه بخون دل و خرج ملیونها ثروت در اصفهان گرد کرده بودند و افغانها آنرا غارت کرده و بمردم فروخته بودند ، در دست شعر و فضلا افتاده بود . ثروت سلطنتی اصفهان بدست افغانها و از آنها بدست مردم رسیده و از ایران بیرون نرفته بود .

از اوایل صفویه ایرانیان به هندوستان رفته با ثروت زیاد برمی گشته و آن پولها در پایتختها صرف می شد ثروت زیادی از هند بانادر بایران آمده و از خراسان بعد از یغمای دستکاه نادری بسایر ایران پاشیده شده بود .

دوره بیست ساله امنیت عهد کریم خان که جز خراسان سایر ایران با آرامش غنوده بودند کمک و فرصت خوبی باحوال شعری ایرانیان مینمود . شیراز مرکز دایره علم و ادب شده و مجموع کتابهای خوب و دو اوین شعرای قدیم که تا او اخر صفویه مخصوص کتابخانهای سلاطین بود و مردم از آنها محروم بودند . بدست مردم افتاده باسودگی و باداشتن نان خانه بخواندن و نقل و بحث و مجاوره و مشاعره و تدریس آنها اشتغال داشتند . از مجموع این حالات که ذکر افتاد چند شاعر خوب و فاضل در شیراز و اصفهان و خراسان وجود آمدند که مرکز و مجمع آنها اصفهان و شیراز بود و بعد از مرگ کریم خان و تشکیل دولت قاجار و سلطنت فتحعلی شاه آن مرکز بطهران منتقل شد و تمام آن مزایایی که ذکر شد در اینجا باز دوباره تجدید و تحکیم گردید فتوحات آقامحمدخان در خراسان و قفقاز و آمدن ثروت باقی مانده نادری که در دست شاهرخ کور باقی بود بطهران - آمدن کارونهای ثروت و بنده و برده از قفقاز بطهران ، مقدماتی بود که هم فتحعلی شاه جانشین فاتح قاجار و هم شعرا و ندمای او را باحیای یک دوره مشایخ شعری مانند دوره سلطان محمود داغری نوی موقوف ساخت .

۲ - مروحین علم و ادب : نادر شاه بشعر و شعرا اعتنائی نداشت شعرا هم باو اعتنائی نداشتند - تنها شاعر او میرزا مهدی خان متخلص بفقانی است که دو کتاب بنام نادر نوشت (دره نادره - جهانکشای نادری) - بعد از او عادل شاه تنها آذر را تربیت کرده . کریم خان معلوم نیست صله شعر بکسی داده باشد . مرحوم اعزازالسلطنه مینویسد : آذر قطعه شعری برای کریم خان فرستاد . . . علمیراد خان زند که در ۱۱۹۸ فوت کرد و چهار پنج سال پادشاه بود شهاب ترشیزی را بساختن

تاریخ زندیه ببحر متقارب تشویق میکرد. آقا محمد خان بشعرا اعتنائی نداشت لهذا شاعری هجوش کرده گوید.

نه جود که وصف ذات عالیت کنم نه فهم ترا که حرف حالیت کنم

نه ریش ترا که ریشخندت سازم نه خایه ترا که خایه مالیت کنم

اما چنانکه گفتیم اقتضای زمان طبعاً دوره جدیدی بشعر و شاعری میآورد و فتوحات نادر و کریم خان و آقا محمد خان و امنیت سی ساله عهد کریم خان، مقدمه کار را فراهم ساخته بود. تا فتحعلی شاه بتخت نشست.

خود فتحعلی شاه شاعر بود و تاریخ میدانست بنظر میرسد که شاهنامه را خوانده و هم از دربار غزنویان باخبر بود یا از شعرا شنیده بود ازینرو شعرائی که عهد او را دریافته فایده های خوبی از هنر خود بردند. میرزا نصیر طیب و لطفعلی خان آذر - و صباحی زنده نبودند اما صبا و مجمر و میرزا ابوالقاسم قائم مقام و عبدالرزاق خان دنبلی مؤلف (تاریخ قاجاریه و حدایق الجنان) و فروغ کاشانی و صبور کاشانی - و صاحب - نشاط - سحاب و غیره ما در حیات بودند. فتحعلی خان صبا ملک الشعرا و شخص نیک نفس و خیرخواه بود هر فاضل و دانشمندی که بوی پناه می آورد او را بشاه معرفی مینمود و برایش در دربار شغل و مواجب معین میکرد. چنانکه فاضل خان گروسی یکی ازین اشخاص بود که بوسیله فتحعلی خان صبا بتذکره نویسی دربار فتحعلی شاه برقرار گردید و تذکره انجمن خاقان را نوشت. گوئی طبیعت از هر طرف بتقویت حال شعرا و اهل فضل کمک میکرد.

عباس میرزا نایب السلطنه چندان شاعر بازن نبود - او مایل بود که شاعران ایرانی را بفرنگ بفرستد و آنها با صنایع و علوم اروپا بایران برگردند - از سفرنامه میرزا صالح شیرازی (چاپ نشده و در نزد نگارنده است) که از راه روسیه و فرانسه بلندن رفته و مدتی بتحصیل زبان لاتین و انگلیسی و فن چاپ

مشغول بوده اینمعنی خوب روشن میشود - معذک فضائی مانند قائم مقام فراهانی
میرزا ابوالقاسم و عبدالرزاق خان دنبلی را تربیت کرد ، فروغ کاشانی شاعر
خاص او بود .

محمد شاه که بتخت نشست اگرچه شاعر نبود اما سیره جد خود را از
دست نداد - در زمان این پادشاه منیت در ایران حکمروا بود - ثروت مملکت
قدری از بابت خسارات جنگ روس تلف شده بود و قسمت دیگر عایدات بتوسط
حاجی میرزا آقاسی صدراعظم ایروانی بمخارج ساختن قلاع جنگی و قورخانه
و تفنگ های تازه اختراع اروپائی و توپ و سرباز و قسمتی بمصرف آادی کاریزها
و مزارعی که در ایام انقلاب ایران از حمله افغانه ببعده خراب شده بود رسید و
ازینراه بود که شعرا در زمان این پادشاه جواین زیادی نیافتند - چنانکه شاعری
در هجو حاجی میرزا آقاسی گوید و در حقیقت او را مدح کرده است :

نگذاشت بملك شاه حاجی درمی شد خراج قنات و توپ هریش و کمی
نه مزرع دوست را از ان آب نمی نه خایه خصم را از ان توپ غمی
در همین حال خود حاجی آقاسی شاعر بود و بموجب تذکر هدایت در مجمع الفصحاء
در ذیل نام (فخری ایروانی) گوید حاجی تالیفاتی لطیف هم داشته که ازین
رفته است و نیز شعرائی که درین دوره بودند غالباً بعهد فتحعلی شاه را دریافته و
متمول و متشخص بودند . میتوان گفت اگر میرزا ابوالقاسم قائم مقام که
وزیر محمد شاه بود کشته نمی شد چون خودش از شعرای نامی ایران و اولین
نویسنده قادر بود ترقی علمی و ادبی ایران بیش ازین جلو میافتاد .

لیکن مرکا و از طرفی و تأثیر شکست روس و اراده فتح افغانستان از طرف
دولت ایران از طرف دیگر دولت را از شاعری دور کرده بتجهیزات قشونی و آبادی
قلاع و بقاع و مزارع که بتواند آذوقه قشون را بایالات تکافوء کند و ادار ساخت .

شعرای معروف این دوره بقیه شعرای عصر فتحعلی شاه بودند و یا شعرائی که در آن دوره بوجود آمده و بعد معروف شده بودند. بزرگترین آنها میرزا حبیب الله شیرازی متخلص به قآنی بوده است - دیگر لسان الملك سپهر صاحب تاریخ کبیر ناسخ التواریخ و کتاب تفسیر براهین العجم - و دیگر شهاب اصفهانی و دیگر فروغ الدین اصفهانی حکیم و فاضل - دیگر فرهنگ و غیره .

عهد محمد شاه طول نکشید - ناصرالدین شاه بتخت نشست و علی الحساب میبایستی این پادشاه دنباله خیالات پدرش را بگیرد و ایران را یک ایران نظامی و جنگی و مقتدری بسازد - خاصه که سیاست دولت روسیه که خود را حامی سلطنت اولاد عباس میرزا میدانستند بر آن بود که ایران قدرت یافته هرات و قندهار و کابل را که حق او بوده و جزو مملکت صفویه و نادر بود بدست آورده و به همراهی روسیه به هندوستان تاخته آنجا را از دست دولت بریتانیا که تازه بچنگ آورده بود مسترد دارند و کاری را که ناپلئون میخواست صورت دهد تزار روس و ایران باهم صورت دهند - سر کرده این خیالات بزرگترین مرد زمان خود میرزاتقی خان امیر کبیر بود که از طرفی تهیه حمله بهرات و از سوی دیگر تدارک شورش هندوستان را بوسیله آخرین پادشاه مسلمان دهلی میدید . ولی جوانی شاه و وسایل سیاسی موجب شد که امیر کبیر معزول و کشته شد و سپاه ایران بعد از فتح هرات آنرا بتهدید انگلیس خالی کردند و تمام آن خیالات برباد رفت .

صدر اعظم نوری بروی کار آمد - شعرای سابق هنوز زنده بودند ، قآنی شهاب دوسر حلقه شعر و ادب شهرت داشتند - صدر اعظم نوری و پسرش نظام الملك مانند فتحعلی شاه از شعرا نگاهداری کردند . خود ناصرالدین شاه شاعر بود و تحصیلات مختصری کرده از تاریخ ایران بی اطلاع نبود . پنجاه سال پادشاهی کرد . و از مجرای سیاست خارجی خود را آسوده کرده بین الین رقن را پسندیده

و بعیش و خرمی و شهرت دادن خود پرداخت ، امنیت در زمان او بسر حد کمال رسید . عایدات مملکتی همه صرف مملکت می شد . در هر ولایت و دهکده اگر شخصی پیدا می شد که هنری داشت فوراً باو یک تقب داده و یک مواجی بعنوان مستمری باو عطا می شد . درین دوره شعر و صنایع بدی و خط و تذهیب و مخمل باقی و قالی بافی و زری بافی و قلمدان سازی و معماری و بنائی و کاشی پزی و نجاری ترقی کرد . مؤلفین عمده مانند سپهر ، صنیع الدوله ، (اعتماد السلطنه بعد) علی قلی میرزا اعتماد السلطنه - هدایت لله باشی - و هزاران فاضل و مؤلف دیگر بوجود آمدند فن چاپ بی اندازه ترقی کرد - فتوگرافی بقدری عالی شد که بعدها نتوانستند بان خوبی کار کنند ، فهرست کتبی که در آن عصر چه عربی و چه فارسی در ایران چاپ شده نزد من نیست ولی میتوانیم یقین بدانیم که اگر همه آنها را فهرست کنند کتابی ضخیم بل کتابها از آن تهیه خواهد شد . این کتب را غالباً بادولت پول داده و یا بتجار و اهل خیر تقفه داده بچاپ میرسانیدند - و از اثر تشویق ناصرالدین شاه بود که مردمان هندی رو بنشر و ترویج و طبع و انتشار کتب فارسی آورده شاید بیش از آنچه در ایران چاپ شده در هندوستان خاصه بمبئی بطبع رسیده است و همه اینها در نتیجه تأثیر دولت ناصرالدین شاه بعمل می آمد .

ناصرالدین شاه پول زیاد دور آن میریخت ولی مواظب بود که دانشمندی در ایران از گرسنگی تلف نشود - و نسبت بشعرا می معروف که چه از قدیم بودند و چه تازه پیدا شده بودند از قبیل میرزا محمدعلی خان سروش - محمودخان ملک الشعراء فتح الله خان شیبانی - شهاب - و دیگران همان احترام و اهمیتی را که دارا بودند ولایق آنها بود ملحوظ میداشت .

قاآنی در اوایل دولت ناصرالدین شاه مرد دوسرورش جای او را در خواندن

قصاید سلام گرفت .

محمودخان را بحکومت و مأموریت‌های خوب میفرستاد - هدایت لاه باشی
 سفارت و مشاغل عمده نایل می‌شد - سپهر در اداره استیفا مشغول خدمت بود .
 شعرای خوبی در ایالات در نتیجه مستمریهائی که گفتیم بوجود آمدند
 و شاهزادگان و ولات نیز رویه شاه را در قدر دانی از اهل علم و هنر پیش می‌گرفتند .
 در شیراز وصال و خانواده‌اش و بعدها شوریده فصیح‌الملک ، در خراسان
 صبوری ملک‌الشعرا در کرمانشاه سلطانی و الهامی و خسروی در اصفهان هما و سها
 و طرب و محیط و عمان و دهقان و غیره بوجود آمدند .
 امین‌السلطان میرزا علی اصغر خان که پیدا شد این معرکه بالا گرفت ، زیرا اشارت
 شخصی فاضل و شاعر بود و سخاوتی تاریخی داشت ثروت مملکت هم تمر کز یافته بود .
 خورده ثروتها که بعد از نادر شاه متفرق شده بود بدست حکام و امر آمده و از دست آنها بدست
 دولت رسیده بود . عایدات گمرک بواسطه ورود و صدور مال التجاره فرنگ و ایران زیاد شده
 خرج لشکر کشی و تهیه نظام هم در بین نبود لذا صدر اعظم سخاوت تاریخی خود را بوجود آورد
 و در نتیجه ترویج حکمت و علم تاریخ و ادبیات و شعر و خط و موسیقی و نقاشی و معماری بدرجه‌ای
 آن‌عصر رسید . و دنباله‌اش تا عهد مظفرالدین شاه امتداد یافت و باول مشروطه ختم گردید .
 از مشروطه بعد قرن ادبی تجدید گردید - فتوحات ملی و افکار جدید
 و انقلاب مادی و فکری روحی جوان و پر قوت در شعر موجود آورد ، مشروطه
 کمک دوباره بنهضت ادبی عصر کریم خان و قلی‌شاه کرد - درین دوره از طرف دولت
 توجهی بشعر و شاعری معطوف نمی‌شد لیکن شعرای ملی بسوق طبیعی و برای
 نشر مصلک و مرام سیاسی خود بشاعری پرداختند ، روزنامه نویسی هم بشاعری
 کمک کرد حس شهرت و وجهت ملی مؤید شعرا آمد ، باید انصاف داده شود
 که برخی جراید ملی که صاحبان آن شاعر بودند نیز کمک بزرگی بنشر صنعت شعری
 کردند و خلاصه شعرائی مانند امیری (ادیب‌الممالک) ادیب نیشابوری - ادیب پیشاوری
 ایرج - خسروی پیدا شدند و هر کدام سبکی دیگر داشته و شرح سبک آنها داده خواهد شد